

رئیس جریان حاکم بر سوریه که در لیست سیاه آمریکا قرار داشت با رئیس جمهور ایالات متحده دیدار کرد

جایزهٔ ۱۰ میلیون دلاری سر جولانی به ترامپ رسید



سیدمهدی طالبی

پروفسور جوزف بین الملل

دیدار «دونالد ترامپ» با «ابو محمد الجولانی» تروریست سابقه‌دار که نیروهایش چند سال پیش در روستاها و خیابان‌های سوریه و عراق سر می‌پریدند، روز چهارشنبه (۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۴ می ۲۰۲۵) با حضور «محمدين سلمان» وليعهدو نخست‌وزیر عربستان سعودی میسر شد. ترامپ این دیدار در جریان تور منطقه‌ای خود به سه کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس انجام داد؛ سفری که به ترتیب شامل عربستان، قطر و امارات می شود.

جولانی چگونه باریافت؟

جولانی تروریست عضو گروه القاعده پس از اشغال عراق توسط آمریکا وساقط کردن حکومت سنی مذهب صدام برای مبارزه در این کشور حضور داشت. او سپس در سوریه در قالب القاعده و داعش جنگید و همان زمان نظراتی منفی درباره حکومت‌های عربی داشت. او در حین مبارزه با دولت بعثی سوریه، معتقد بود دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس با پرداخت جزیه و خراج به آمریکا سر پا مانده‌اند. جولانی طی چند سال گذشته در یکی از بزرگ‌ترین اقدامات برای «ری برندینگ» با انجام سنگین‌ترین عمل‌های جراحی پلاستیک روی وجهه خود توانست به عنوان عضوی از القاعده به دیدار ترامپ رفته و توسط او تمجید شود.

با این حال عامل مهم بعثی در تبدیل یک عضو القاعده به دوست آمریکا، پذیرش برخی شروط ترامپ بود. این مسئله نشان‌دهنده انعطاف آمریکا در تغییر دوست و دشمن با پذیرش شروطی خاص و البته دشوار است که می‌تواند به انهدام حاکمیت آن بینجامد. بر اساس آنچه کج سلف اعلام کرده است، رئیس جمهور آمریکا پس از تأکید بر به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی به جولانی گفته «به همه تروریست‌های خارجی بگو که سوریه را ترک کنند.» «گروه‌های فلسطینی را از سوریه اخراج کن.» «به آمریکا برای جلوگیری از احیای داعش کمک کن» و «سنولیت مراکز نگهداری داعش در شمال شرق سوریه را برعهده بگیر».

این شرط نشان می‌دهد جولانی به عنوان یک عضو القاعده که دشمن آمریکا است برای بهبود روابط خود با آمریکا در قالب همراهی با این کشور در مبارزه با داعش باید استمرار فعالیت امنیتی و نظامی واشنگتن در خاک کشورش را بپذیرد و یو پی‌اِس بر عهد عادی سازی، ضمن خلع سلاح در جنوب و توافق بر سر جولان با رژیم صهیونیستی از خبر بخش‌های دیگر از خاک سوریه نیز بگذرد.

تنها در این صورت است که یک دشمن می‌تواند به دوست آمریکا تبدیل شود؛ دوستی‌ای که از مسیر گذشتن از همه چیز حاصل می‌شود.

نکات

در خصوص دیدار ترامپ با جولانی و مسائل پیرامونی آن نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند:

- تمرکز محتوای بحث‌ها و تلاش جولانی و متحدانش بر سرر رفع تحریم‌های مسوریه است. هر طریقی نیز از این قضیه اراده خود را دارد. منظور و اراده جولانی از رفع تحریم‌ها رسمیت یافتن حکومتش است نه آنکه بخواهد سامانی به اوضاع اقتصادی بدهد. اراده ترکیه، قطر و عربستان نیز تزریق راحت تر پول و سرمایه‌گذاری برای تقویت جولانی است.
- پس از سقوط سوریه، حکومت در دستان هیئت تحریرالشام افتاد که مورد حمایت ترکیه قرار دارد. به طور آشکاری جولانی رهبر این گروه به ترکیه وابسته بود تا آنکه بخواهد به عربستان نزدیک باشد.
- قرار گرفتن بخشی از عرصه حکومت جدید این کشور به دست عربستان، محدودیت‌های ترکیه را نشان می‌دهد. حکومت جولانی برای پذیرش منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند ارتباط با عربستان بود و ترکیه در این حوزه کارایی نداشت. این مسئله نشان می‌دهد عرصه سیاست خارجی حکومت جولانی تحت تأثیر عربستان قرار دارد. واسطه‌گری عربستان برای برداشته شدن تحریم‌ها نزد آمریکا نیز حکایت از سربایت این نفوذ به مناسبات داخلی سوریه دارد.
- در حالی‌که در تور منطقه‌ای ترامپ سفر به قطر به عنوان دولتی که به ترکیه و جولانی نزدیک‌تر تلقی می‌شود، وجود داشت، او در عربستان با جولانی دیدار کرد. علاوه بر قدرت سعودی، احتمالاً ترکیه و قطر

چرا ترامپ به هر کجای منطقه که می رود دربارهٔ ایران حرف می‌زند؟

فرمول تیغ‌زنی شیوخ



خبرنگار گروه سیاست

مانور رسانه‌ای و سفر میلیارد دلاری ترامپ به عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، جدای از آورده‌های مالی برای ترامپ، تلاشی برای بزرگنمایی و وزن دادن به کشورهای مثل عربستان در مقابل ایران هم بود، اما دونالد ترامپ تقریباً بخش مهمی از صحبت‌های خود را به ایران اختصاص داد. او سعی کرد ایران را کشوری ضعیف نشان بدهد، اما متقابلاً تهدیدهای جدی علیه ایران مطرح کرد و نکته متناقض این اظهارات آن بود که ایران تهدید زمانی علیه کشوری مطرح می‌شود که خطری از جانب آن کشور موقعیت آن شخص را مشخص یا تهدید کرد. اما تأکید ترامپ بر اینکه اجازه نخواهیم داد عربستان تحت تأثیر ایران قرار بگیرد، نشان می‌داد برخلاف ادعاها ی او، ایران هنوز قدرت قابل اتکایی در منطقه است و تاکنون نیز موقعیت آمریکا در منطقه را دچار چالش‌های جدی کرده و نیروی نیابتی‌اش یعنی رژیم صهیونیستی در منطقه با بحران‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. البته او این ادعاها را می‌بایست برای گرفتن حق دلالتی‌اش از عربستان، انجام می‌داد؛ چراکه اساساً بخش قابل توجهی از هزینه‌های کشورهای عربی به خاطر نگرانی آن‌ها از افزایش نقش محوری ایران در منطقه است و آن‌ها برای آنکه از بازی قدرتمندان در منطقه جا نمانند، این طور دست به ولخرجی زدند.

تناقض گویی ترامپ برای ضعیف نشان دادن ایران

ترامپ بعد از اعضای قرارداد ۱۴۲ میلیارد دلاری خرید تجهیزات در همایش سرمایه‌گذاری عربستان و آمریکا هم دستکاری روانی افکار عمومی ایرانی‌ها را رها نکرد. روی شکاف‌ها، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کشور دست گذاشت و تلاش کرد با تکیه بر آن‌ها، ایران را کشوری ضعیف نشان دهد ولی متقابلاً عربستان با سرعت به سمت توسعه حرکت می‌کند. صحبت کتابهٔ امیز او در مورد توانایی عربستان در تبدیل صحرا به زمین‌های کشاورزی در حالی‌که ایران زمین‌های کشاورزی‌اش را به صحرا تبدیل کرده، تکرار صحبت‌هایی است که تئانایو و چهره‌های ضدایرانی فاندبگیر هم با تأکید بر آن‌ها به دنبال القای حس تحقیر به مردم ایران هستند. البته ادعایی که ترامپ مطرح کرد، تنها یک

پس از جنگی طولانی مدت با محور مقاومت در مسوریه خواهان ادامه آن با سعودی نیستند از این رو ممانعتی در برابر ریاض ندارند.

ترامپ در دومین مقصد تور منطقه‌ای خود به حاشیه جنوبی خلیج فارس به قطر می‌رود؛ دولتی که حامی جولانی است. او سپس به امارات خواهد رفت که یکی از حامیان اصلی بشار اسد به حساب می‌آمد. به نظر می‌رسد سیاست آمریکا در منطقه تا حد زیادی با برداشت‌های عربستان سعودی منطبق شده است. ریاض پس از شکست در پرورنده‌های لبنان و مسوریه از هر دو عقب کشید. حالا اما با تضعیف بازیگران حاضر در این عرصه، سعودی‌ها به دنبال استفاده از ظرفیت‌های خود هستند. این تضعیف علاوه بر محور مقاومت شامل محور ترکیه-قطر نیز شده است.

به نظر می‌رسد سعودی‌ها نحوه جدیدی از سیاست‌ورزی را در پیش گرفته و پس از مشخص شدن صحنه وارد قضایا می‌شوند که متفاوت از بازیگری اماراتی‌هاست. تا پیش از این در مقابل محور مقاومت و محور ترکیه-قطر، محور عربستان-امارات نیز در منطقه فعالیت می‌کرد اما در حال حاضر وضعیت تغییر کرده است.

سعودی‌ها در لبنان و مسوریه به‌تثایی عمل کردند و در سودان نیز در کنار طرف‌هایی مانند ایران و ترکیه، در کنار حکومت نظامیان به رهبری «عبدالفتاح البرهان» در برابر شورشیان موسوم به «نیروهای واکنش سریع» به رهبری «محمد حمدان دقلو» ایستادند. این انتقال درحالی رخ داد که دقلو مورد حمایت رژیم صهیونیستی و بیشتر از آن امارات است.

سیاست جدید سعودی ایستادن در تیم پیروز و بازی در توافقات پس از جنگ است بدون آنکه خود وارد مبارزات شده و زیان ببیند. در سوریه محور ترکیه-قطر هزینه کرد و به موفقیت نسبی دست یافت اما درست پس از آن است که سعودی‌ها وارد عرصه شده و حتی از بازیگران اصلی و فعال پیش افتادند. مطالب در خصوص کاهش وابستگی و توجه آمریکا به حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌توانند باعث اشتباه شوند. بارها در رسانه‌ها تکرار شده که آمریکا با نفت شیل از نفت خلیج فارس بی‌نیاز شده و توجه کمتری به آن خواهد داشت. شاید این گزاره درست باشد اما چشم واشنگتن اگر از دریافت نفت منطقه به طور مستقیم برداشته شود، از صدها میلیارد دلار درآمد نفتی کشورهای خلیج فارس برداشته نخواهد شد.

از سوی دیگر بی‌نیازی آمریکا به نفت منطقه با دست‌اندازی این کشور به نفت مسوریه و تداوم آن در دولت جدید نمی‌خواند. هر چند نمی‌توان دست‌اندازی آمریکا بر منابع نفتی سوریه را به طور کامل اقدامی اقتصادی برای کسب درآمد دانست زیرا دلایل دیگری نیز برای این کار می‌توان تصور شد؛ از جمله اشغال میداین نفتی برای تضعیف توان دولت‌های مرکزی در سوریه.

حضور اردوغان در جلسه سه‌جانبه میان ترامپ، بن سلمان و جولانی نمایشی و برای تأکید بر این مسئله بود که ترکیه صاحب جولانی است.

با این حال و علی‌رغم این مسئله، ترکیه به شکلی دست‌دوم در این جلسه پذیرش شد. اگر اردوغان در این جلسه شرکت نمی‌کرد، جایگاه ترکیه در مناسبات منطقه مبهم می‌ماند اما شرکت حرف‌بانه و ویدئوکنفرانسی او در جلسه‌ای که جولانی حاضر بود، دست دوم بودن آنکارا را بر ملا ساخت.

ترامپ برای برداشته شدن تحریم‌های سوریه قرار است شاهد پیوستن این کشور به پیمان ابراهیم باشد و از سوی دیگر منابع نفتی این کشور را در اختیار خود نگاه دارد. هردوی این مسائل باعث کاهش نفوذ جولانی خواهند شد.

بیشتر از همه تسلط آمریکا بر منابع نفت سوریه نشان از آن دارد که واشنگتن نمی‌خواهد دولت مرکزی مسوریه از نظر مالی تقویت شود. پیش از این نیز اشغال چاه‌های نفتی مسوریه باعث تضعیف شدید بنیه مالی دولت اسد شده بود.

ارانه چاه‌های نفت سوریه به ترامپ می‌تواند حربه‌ای برای استفاده از مزیت امنیتی آمریکا در محیط داخلی این کشور باشد. به‌زعم جولانی و متحدانش، تحویل چاه‌های نفتی مسوریه به آمریکا که در مناطق شرقی این کشور واقع شده‌اند، باعث استمرار حضور واشنگتن در این منطقه شده و سدی برای نفوذ مجدد محور مقاومت ایجاد خواهد کرد.

تحولاتی که در خصوص جولانی رخ داده چند ویژگی داشته‌اند. این اقدامات خیزشی با سریع بوده و از سوی دیگر غیرمنتظره تلقی شده‌اند. این اقدامات همچنین پیشتر از او، به طور مستقیم توسط متحدان خارجی‌اش تدارک دیده شده‌اند.

در مورد اول جولانی تنها در مدت ۱۱ روز دولت اسد را ساقط کرد که نشان‌دهنده خیزشی و سریع بودن اقدامی است که با نام او صورت گرفت.

در مورد ویژگی دوم، جولانی که گروهی ۲۰ هزار نفره دارد موفق شد نیروهای مسلح ۲۰۰ هزار نفری اسد را شکست دهد. در مورد سوم، حمایت حامیان خارجی او دارای اهمیت است؛ گفته می‌شود پیروزی جولانی بر اثر زمینه‌سازی و معاملات متحدان او صورت گرفت. در این مسیر نکته جالب توجه‌تر، گشوده شدن درهای پذیرش منطقه‌ای و بین‌المللی به سوی جولانی است. حاکم تازه‌نفس سوریه که اخیراً از فرانسه و دیدار با رئیس جمهور این کشور در کاخ الیزه پاریس بازگشته بود، در عربستان با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرد. ویژگی‌هایی که پدیده جولانی دارد نشان می‌دهد او نه برای تغییر در وضعیت مسوریه بلکه برای اقداماتی فراتر از این توسط عده‌ای آماده شده است.

در جلسه با جولانی، علی‌رغم حضور رئیس‌جمهور ترکیه اما خبری از امیر قطر نبود. این مسئله می‌تواند دلایلی داشته باشد. نخست آنکه جولانی شخصیتی تروریستی است و ترکیه هم‌زمان با حمایت از انواع گروه‌های دینی و قومی تروریست، از اخوانی‌ها نیز حمایت می‌کند؛ درحالی‌که قطر تنها بر حمایت از جریان اخوانی متمرکز است. این مسئله به معنای ارتباط نداشتن و عدم حمایت قطر از جولانی نیست. جولانی خود شخصیتی برخاسته از گروه‌های تروریستی القاعده و داعش است اما برای اداه امور داخلی سوریه با اخوانی‌ها نیز همکاری می‌کند. به عبارتی دیگر قطر از مسیر همراهی اخوان با هیئت تحریرالشام با جولانی مرتبط است اما ترکیه علاوه بر حمایت از اخوانی‌ها به طور مستقیم نیز با انواع مختلف گروه‌های تروریستی رابطه دارد.

اجازه به اردوغان برای حضوری دست‌دوم در دیدار سه‌جانبه، بیشتر از آن رو بود که ترکیه بیشتر از قطر نبض تروریست‌ها در سوریه را در دست دارد. دلیل دیگر می‌تواند به ریاست‌طلبی سعودی‌ها در جهان عرب مربوط باشد. ریاض به حضور ویدئوکنفرانسی ترکیه راضی شد؛ اما حضور قطر را که کشوری عربی است، برتافت تا تأکید کند در جهان عرب حرف سعودی‌ها کفایت می‌کند.

ترامپ شامگاه سه‌شنبه به بلدو رود به ریاض اعلام کرد تحریم‌های مسوریه را به درخواست «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی لغو می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد یکی از درخواست‌های سعودی در قبال قرارداد ۶۰۰ میلیارد دلاری موضوع رفع تحریم‌های سوریه بوده است. زیر پا ل و پر گرفتن حاکم سوریه برای سعودی‌ها اهمیت زیادی دارد زیرا برای مدت‌ها این کشور یکی از رقبای ریاض در رهبری جهان عرب بود. دیدار ترامپ با جولانی حتی در زمان ورود ترامپ به عربستان قطعی نبود و پس از مدتی میسر شد. موضوعی که حکایت از کسب رضایت ترامپ به این اقدام پس از دریافت امتیازات دارد.

پس از بروز مشکل در عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، قرار است سوریه سدشکنی کند. برقراری روابط سیاسی میان رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی، به دلیل جایگاه دینی و سیاسی ریاض در منطقه، جهان اسلام و جهان عرب یک سدشکنی به‌شمار می‌رفت. در صورت وقوع این اتفاق، دیگر دولت‌های اسلامی مشکل کمتری برای پیوستن به روند عادی‌سازی داشتند زیرا یکی از رهبران جهان اسلام و جهان عرب که خود را خادمین حرمین شریفین می‌خواند، به این روند پیوسته بود.

به نظر می‌رسد به دلیل عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنایت‌های رژیم پس از آن، عادی‌سازی با عربستان رو به دشواری گزیده‌است. از این رو قرار است حکومت جولانی این سدشکنی را برعهده گیرد زیرا حکومت او از عناصر مدعی جهاد در جهان اسلام و همچنین اخوانی‌ها تشکیل شده است.

اگر حکومتی با این مختصات به روند عادی‌سازی بپیوندد، فشار بر حکومت سکولار لبنان و دیگر دولت‌های عربی برای پیوستن به روند عادی‌سازی افزایش

خواهد یافت. در صورتی که حکومت سکولار لبنان در برابر عادی‌سازی مقاومت کند با این استدلال مواجه خواهد شد که چگونه دولتی سکولار نمی‌تواند به این روند ملحق شود اما حکومتی متشکل از عناصر مدعی جهاد و اخوان المسلمین به عادی‌سازی پیوسته‌اند.

دیدار با جولانی پرده آخر از پروژه سنگین مبارزه همه‌جانبه با القاعده و تغییر ماهیت مبارزاتی منطقه و اهل سنت است. آمریکا در سال ۲۰۰۱ به محل اختفای گروه القاعده در افغانستان هجوم برد. القاعده در افغانستان به دلیل ماهیت این کشور به جنبشی ضد اشغالگران و دولت‌های قدرتمند غیراسلامی تبدیل شده بود.

با این حال اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ باعث شد القاعده برای مبارزه با آمریکا در محیطی جدید به این کشور برود. این انتقال موجب شد تا شاخه‌های فرعی القاعده در عراق و غرب آسیا بر شاخه اصلی مستقر در افغانستان تقدم یافته و به دلیل حضور شیعیان در عراق و سوریه، ماهیتی ضد شیعی به این گروه بدهند.

جولانسی که باید به‌عنوان عضوی از یک گروه ضد غربی و ضد آمریکایی طرد می‌شد تحت عنوان گروه و حکومتی ضد شیعی مورد استقبال قرار گرفته است. القاعده دیگر نه تنها تفنگ خود را به سمت آمریکا نمی‌گیرد بلکه از این پس تفنگ خود را مستقیماً در اختیار واشنگتن قرار خواهد داد.

ترامپ پنج شرط برای جولانی گذاشته که دو مورد از آن به طور مستقیم و غیرمستقیم به آرایش آمریکا در خاک سوریه مرتبط است. این دو شرط شامل این دو گفته ترامپ به جولانی هستند: «به آمریکا برای جلوگیری از احیای داعش کمک کن» و «سنولیت مراکز نگهداری داعش در شمال شرق سوریه را برعهده بگیر».

گفته می‌شود آمریکا قرار است طبق علاقه دیرینه ترامپ از سوریه خارج شود. با این حال سابقه نشان داده منظور از خروج، تخلیه کامل نظامی نیست. ترامپ در توافق ۲۰۲۰ با طالبان قصد داشتست از افغانستان خارج شده و این گروه را در حکومت شریک کند اما پایگاه «بگرام» را برای آمریکا حفظ کند. دو

خواسته ترامپ از جولانی تکرار این قضیه را در سوریه نشان می‌دهد. اجازه مسنولیت نگهداری از اعضای داعش به جولانی به این معناست که آمریکا دیگر نمی‌خواهد همانند گذشته به کردها که هم‌اکنون مسئول نگهداری از اعضای داعش هستند، کمک کند؛ مسئله‌ای که یکی از نتایج خروج آمریکا از دیگری‌های داخل سوریه است. با این حال این شرط که جولانی در مبارزه با داعش به آمریکا کمک کند، به این معناست که واشنگتن قصد دارد در یک پایگاه عمده در مسوریه که احتمالاً رقه است، بقی بماند. واشنگتن در نقشه منطقه‌ای خود استقرار در سه پایگاه رقه مسوریه، عین‌الاسد عراق و بگرام افغانستان را مدنظر دارد.

از سوی دیگر شرط همکاری برای مبارزه با داعش به این معناست که آمریکا می‌خواهد قدرت و مشروعیت عملیات در خاک سوریه و از خاک سوریه علیه دیگر اهداف را در اختیار داشته باشد.

بخشی از کشمکش وروندمای از جولانی در جلسات و دیدارهایی که ترکیه، قطر و عربستان سعودی و حتی امارات تدارک می‌بینند، استفاده از کارت سوریه در مناسبات خود با قدرت‌های جهانی از جمله آمریکاست.

این دولت‌ها که طی سال‌های اخیر کارکردشان به ابزاری مالی محدود شده بود، از رهگذر حضور جولانی در حکومت سوریه قصد دارند بار دیگر ارزش‌ها و توانمندی‌های بازیگری ژئوپلیتیکی خود را به رخ آمریکا بکشند. نباید از یاد برد که از عراق تا لبنان و یمن و در همین سوریه تا چندی قبل، این بازیگران شکست‌های بزرگی خورده‌اند. شکست عربستان سعودی و امارات به همراه دولت‌های همراهشان در جنگ با یمن باعث شد تا آمریکا مجبور شود چندی قبل با این کشور اعلام آتش‌بس کند. ورود مستقیم به یمن و ترامپ به جنگ با یمن به این معنا بود که واشنگتن نشینان می‌دانند متحدانشان بازیگران ژئوپلیتیکی قابلی در منطقه نیستند.

سردست گرفتن جولانی در میهمانی‌های دیپلماتیک توسط دولت‌های متضاد و مختلف منطقه نشان می‌دهد آن‌ها کسی را جز او برای دورگرداندن و نمایش توانمندی ژئوپلیتیکی‌شان در اختیار ندارند.

حق دلالتی ادا شد

ایران استفاده کند، اما در اصل نه خودش تمایلی به شروع جنگ دارد و نه وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی که آمریکا با آن مواجه است، مناسب شروع یک بحران تازه است. به همین منظور ترامپ هم با سیاست قدیمی چماق و هویج دنبال آن است که به جای جنگ به توافقی با ایران برسد. رفتاری که در چهارچوب مواجهه با ایرانی است که ابزارهای قدرت زیادی دارد و در تناقض آشکاری با صحبت تحقیرآمیز او در مورد ضعیف شدن ایران است.

حق دلالتی ادا شد

واقعیت آن است مسفری که ترامپ به عربستان و پس از آن به کشورهای دیگر حاشیه خلیج فارس داشت و حتی تصمیمی که در مورد عوض کردن نام خلیج فارس داشت -که بعد از واکنش‌های منفی مجبور به عقب‌نشینی شد- در قالب تعریف توازن منطقه‌ای به نفع آمریکا و علیه ایران تنظیم شده است. ترامپ با تقویت روابط با کشورهای عربی مثل عربستان به دنبال آن است که موقعیت خود در منطقه را تثبیت کند. پذیرش آتش‌بس یمن و عقب‌نشینی آشکار او در این مورد نشان می‌دهد توانمندی آمریکا برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای تا حد زیادی تضعیف شده و او با اتکا به عربستان به دنبال مهار این بحران‌هاست. البته عربستان هم که از توانمندی قابل اتکایی در حوزه نظامی برخوردار نیست، نگرانی‌های زیادی در مورد یمن و احتمال تشدید تنش‌ها در منطقه دارد، به همین خاطر نیز حاضر شده هزینه هنگفتی را برای خرید تجهیزات نظامی از آمریکا بپردازد. ترامپ هم که برای مدیریت بحران‌های اقتصادی و تجاری، روی سرمایه‌گذاری عربستان حساب ویژه باز کرده، طبیعی است که حداقل در ازای مهمان‌نوازی ویژه‌ای که عربستانی‌ها داشتند، به گونه‌ای حرف بزند که به مذاق میزبان خوش بیاید. درواقع او در همایشی که نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار سرمایه را راهی آمریکا می‌کند، حق دلالتی را به خوبی ادا کرد، اما با اینکه توانست جایگاه مهم ایران در منطقه را انکار کند، سعی کرد تا در دوگانه‌سازی عربستان و ایران، عربستان را در قطار سریع‌السموری به سمت توسعه تعریف کند و در کنار آن به دستکاری روانی افکار عمومی مردم ایران پرداخت. واقعیت این ادعاها را باید در تحولات منطقه‌ای که آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌کند، مشاهده کرد که ماجرای مقاومت یمنی‌ها، بخش مهمی از این واقعیت تلخ برای آمریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای‌اش است.

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

